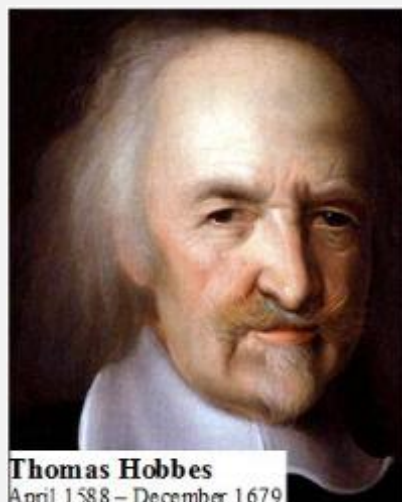


## توماس هابز - فلسفه پیشرفت در پرتو امنیت

«توماس هابز» اندیشمند انگلیسی پس از یک دیدار طولانی از اروپای قاره ای و گفتگو و تبادل نظر با اندیشمندان وقت فرانسه و ایتالیا از جمله گالیله و مطالعه وضعیت مردم و رفتار حکومت...



توماس هابز؛ اندیشمند انگلیسی پس از یک دیدار طولانی از اروپای قاره ای و گفتگو و تبادل نظر با اندیشمندان وقت فرانسه و ایتالیا از جمله گالیله و مطالعه وضعیت مردم و رفتار حکومت ها، 17 جولای سال 1651 به انگلستان بازگشت و به تنظیم عقاید فلسفی خود در هفت کتاب پرداخت که یکی از آنها در 11 جلد چاپ شده است. بشر قرن 21 بیش از گذشته به مطالعه و دقت در عقاید هابز؛ پرداخته و راه حل‌های او را تحلیل می‌کند.

توماس هابز Thomas Hobbes فیلسوف انگلیسی که در سال 1588 به دنیا آمد، 91 سال عمر کرد و در سال 1679 درگذشت در فلسفه سیاسی، اعتقاد به وجود یک حکومت مرکزی مقتدر داشت که بتواند امنیت مردم را حفظ کند و این امکان را فراهم آورد که مردم در سایه امنیت بتوانند برای پیشرفت، همه تلاش و نبوغ خود را به کار گیرند که آنرا؛ فلسفه پیشرفت در پرتو امنیت خوانده اند.

در فلسفه اجتماعی، هابز انسان را موجودی خودخواه و خودبین می‌دانست که برای رسیدن به ثروت، جاه و دیگرهدهایش حاضر است منافع دیگران را زیر پا بگذارد، و می‌گفت که بنا براین، دولت وظیفه دارد از منافع جامعه و افراد در قبال طمع و آز هر فرد حراست کند.

وی معتقد بود که یک فرد دارای دو حرکت است یکی به سوی هدف و دیگری در جهت عکس آن و با آموزش و پرورش درست می‌شود راه او را در زندگی اصلاح کرد.

هابز می‌گفت: آدم که طبیعتی سلطه گر دارد تنها به دلیل خودخواهی است که از مرگ می‌ترسد و بر دولت است که سلطه گری؛ را با قانون و ضابطه کنترل کند و برای اتباع خود فرصت مساوی تامین سازد تا پیشرفت و سعادت حاصل آید و چنین دولتی باید متمرکز و مقتدر باشد تا بتواند امنیت مردم را حفظ کند و این امکان را فراهم آورد که مردم در سایه امنیت بتوانند برای پیشرفت، همه تلاش و نبوغ خود را به کار گیرند

برخی از فرضیه پردازان سوسیالیست این گفته هابز را که همه آدمها سلطه گر و جاه طلب و آزمند هستند رد می‌کنند و ثابت می‌کنند که تنها درصدی از مردم چنین خصلتهایی دارند که باید به دقت مواظب آنها بود. به علاوه، می‌گویند که بسیاری از انسانها ذاتا از مادر، سوسیالیست به دنیا آمده اند و عاشق خدمت به دیگران هستند و چیزی بیش از آنچه که لازمه ادامه زندگانی است نمی‌خواهند و از خدمت به خلق لذت می‌برند که همین لذت برایشان کافی است.